

توزیع جغرافیایی مسکن گروه‌های کم‌درآمد شهری و رابطه آن با اعتیاد: با تأکید بر شهر بابل

معصومه نصیری*

چکیده

این بررسی کوششی در جهت ارزیابی رابطه توزیع جغرافیایی مسکن گروه‌های کم‌درآمد و فراوانی اعتیاد در مناطق مختلف شهر بابل است. در این پژوهش، ۷۳ حوزه آماری شهر بابل براساس دو شاخص درصد اعتیاد و درصد خانوارهای چهارنفره و بیشتر ساکن در یک اتاق مورد بررسی قرار گرفته و با نرم‌افزار GIS نقشه‌های آن ترسیم گردیده است. نویسنده در این مقاله با بررسی درصد خانوارهای چهارنفره و بیشتر ساکن در یک اتاق و تراکم معتادان نشان می‌دهد که در مناطق جنوب و حاشیه شهر درصد بیشتری از مسکن نامناسب و اعتیاد وجود دارد. همچنین با استفاده از آنالیز رگرسیون و فرضیه HO رابطه مثبت معنادار میان دو متغیر افزایش مسکن نامناسب و فراوانی اعتیاد تأیید می‌شود. نتایج تحقیق نشان می‌دهد در مناطقی که درصد خانوارهای چهارنفره و بیشتر ساکن در یک اتاق افزایش می‌یابد، درصد اعتیاد آن منطقه نیز رو به فزونی می‌گذارد. به عبارت دیگر، با تراکم جغرافیایی فقر مسکن، میزان اعتیاد، در جنوب و حاشیه شهر بابل افزایش می‌یابد.

واژگان کلیدی: شهر، مسکن، فقر، اعتیاد، حاشیه‌نشینی، بابل.

مقدمه

قاچاق مواد مخدر در جهان درآمدی معادل چهارصد میلیارد دلار ایجاد می‌کند (برومند،

* استادیار دانشگاه تربیت مدرس email: m37nasiri@yahoo.com

مجله مطالعات اجتماعی ایران، دوره اول، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۵؛ ص ۱۲۴-۱۳۹

۱۳۸۲:۸۵). به عبارت دیگر، دومین فعالیت پرسود اقتصادی بعد از صنعت اسلحه‌سازی به‌شمار می‌رود. درآمد حاصل از مواد مخدر مشابه درآمد حاصل از صنعت اتومبیل‌سازی یا داروسازی و یا صنعت بانکداری است. براساس تخمین اداره مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد^۱، ۲۰۰ میلیون نفر از مردم جهان مواد مخدر مصرف می‌کنند. در سال ۲۰۰۱ در ایران، بیش از ۸۳۳۰۸ نفر با جرایم مربوط به مواد مخدر زندانی بودند (برومند، ۱۳۸۲:۸۶). تعداد کل زندانیان مواد مخدر حدود ۴۷٪ کل زندانیان در ایران است. براساس آخرین تحقیقات اداره مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد و ستاد مبارزه با مواد مخدر ایران در سال ۱۹۹۹ حدود ۲٪ از جمعیت کشور با مشکل جدی مصرف مواد مخدر مواجه بودند.

اهمیت موضوع اعتیاد و ارتباط آن با نابسامانی‌های کالبدی در فضای شهرها این است که در سال‌های اخیر میزان مسکن فقیرانه و نامناسب و اعتیاد در کل کشور رو به فزونی داشته است. به‌ویژه آنکه اعتیاد در محله‌های فقیرنشین شهرها که مسکن نامناسب در آن فراوان وجود دارد، بیش از مناطق و محله‌های دیگر مشاهده می‌گردد. هدف مقاله این است که ارتباط یکی از ناهنجاری‌های کالبدی (مسکن نامناسب)، با یکی از آسیب‌های اجتماعی (اعتیاد) در فضای جغرافیایی شهر بابل مورد بررسی قرار گیرد. از این رو، ابتدا مفهوم اعتیاد و مسکن مناسب طرح می‌گردد. سپس مناطق مختلف بابل براساس شاخص فقر مسکن (درصد خانوارهای چهارنفره و بیشتر ساکن در یک اتاق) و شاخص اعتیاد مورد سنجش قرار می‌گیرند. مرحله نهایی پژوهش را بررسی رابطه دو متغیر مسکن نامناسب و اعتیاد تشکیل خواهد داد.

چارچوب نظری

محاسبه تأثیرات مصرف مواد مخدر در جامعه تقریباً غیرممکن است. زیرا آثار آن متعدد و گسترده است و ده‌ها سال برای آشکار شدن این تأثیرات زمان لازم است. برای مثال، در افرادی که والدینشان مواد مخدر مصرف می‌کنند، احتمال بروز مشکلات روانی و جسمی بیشتر است (کامکار، ۱۳۸۲: ۲۹). مصرف مواد^۲ زیان‌های قابل توجهی را به جامعه جهانی به لحاظ از دست رفتن بهره‌وری^۳، انتقال بیماری‌های عفونی، ایجاد مشکلات خانوادگی و اجتماعی و افزایش جرم تحمیل می‌کند و سبب افت کیفیت زندگی می‌شود (وزیریان، ۱۳۸۲: ۱۴۷). علاوه بر این، هزینه‌های زیادی نیز به بار می‌آورد. براساس تخمین اداره مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد بیشترین آمار مصرف مواد مخدر در جهان به ترتیب در ایران، لائوس و قرقیزستان دیده می‌شود

1. United Nations Office on Drug & Crime (UNODC)

2. substance abuse

3. productivity

(UNODC, 2003). در سال ۱۳۷۹ در طی پژوهشی در ایران، تغییرات و روند بروز مصرف مواد مخدر و الگوهای آن بررسی شد. تجزیه و تحلیل فراوانی بروز سالانه مصرف مواد مخدر نشان داد که در طی سه دهه گذشته روند کلی مصرف مواد مخدر رو به افزایش بوده است. در سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۳۷۷ میزان رشد متوسط مصرف مواد مخدر سالانه ۸ درصد، یعنی بیش از سه برابر میزان رشد جمعیت بود (معاونت سلامت، ۱۳۸۲). همچنین میزان رشد متوسط مصرف تزریقی مواد مخدر در طی ده سال تا سال ۱۳۷۷ سالانه ۳۳٪ بود (برنامه کنترل مواد مخدر، ۱۳۷۹). این بررسی در سال ۱۳۸۰ در وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و با همکاری UNODC صورت پذیرفت. در این بررسی برای نخستین بار نمونه‌گیری بسیار وسیعی در سطح کشور از مراجعان به اورژانس‌ها در ۸۵ شهرستان شامل کلیه استان‌ها انجام گرفت. نتایج بررسی دلالت بر وجود حداقل ۳/۷۶۱/۰۰۰ نفر مصرف‌کننده مواد افیونی، از جمله تریاک، شیره، هروئین و بوپرنورفین^۱ داشت که از این تعداد ۱/۲۱۴/۰۰۰ نفر مصرف‌کننده تفننی تلقی می‌شدند (وزیران، ۱۳۸۲: ۱۷۹). با توجه به تحقیق انجام شده در سال ۱۳۸۰ و سپری شدن شش سال از آن، ارقام ذکر شده تغییر کرده است. از آنجا که براساس ارزیابی وضعیت مصرف مواد مخدر در ایران مشخص شد که در سال‌های اخیر میزان رشد متوسط سالانه برابر با ۸٪ و مصرف تزریقی ۳۳٪ بوده است، با تعمیم این یافته‌ها به شش سال اخیر به رقم بیش از ۴ میلیون نفر معتاد می‌رسیم.

با توجه به افزایش بسیار سریع تعداد معتادان مواد مخدر در ایران، ضرورت دارد که از آن به عنوان یک مسئله اجتماعی^۲ یاد کرد. صرف نظر از ماهیت جامعه و سطح توسعه آن می‌توان گفت که مصرف مواد مخدر به عنوان یک مسئله اجتماعی هنگامی مطرح شد که پدیده‌های اجتماعی نظیر شهرنشینی و صنعتی شدن به وقوع پیوست. ملزومات ناشی از صنعتی شدن موجب تنش‌هایی در سطح شخصی و اجتماعی گردید. همزمان با کاهش نقش نظارتی خانواده و محرومیت‌های اقتصادی و اجتماعی، در برخی موارد موجب پناه بردن فرد به مواد مخدر گردید. مسئله تخلفات مربوط به مواد مخدر یکی از پیچیده‌ترین چالش‌هایی است که در حال حاضر جامعه ایران با آن به عنوان یک مسئله اجتماعی مواجه است. (وارنر و پیرس، ۱۹۹۳) در مطالعه خود نشان داده‌اند که رابطه قوی بین فقر محلات، تراکم بالای جمعیت در واحدهای مسکونی و ناهنجاری و جرم وجود دارد (علی وردی‌نیا، ۱۳۸۵: ۱۹۶). همچنین (استارک، ۱۹۸۷) چنین مطرح می‌کند که ویژگی‌های ساختاری مانند فرسودگی ساختمان‌ها، تراکم جمعیتی بالا در واحدهای مسکونی، فقر گسترده همگی منجر به میزان بالای ناهنجاری‌های

1. Buprenorphine

2. social problem

اجتماعی و جرم خواهند شد (علی وردی‌نیا، ۱۳۸۵:۱۹۶). مسکن یک مکان فیزیکی است و به عنوان سرپناه نیاز اولیه و اساسی خانوار به شمار می‌رود (اهری، ۱۳۶۷:۷). در دومین اجلاس اسکان بشر در استانبول، مسکن مناسب چنین تعریف شده است: مسکن مناسب به معنای دسترسی به فضا و آسایش مناسب، امنیت کافی، تأمین مالکیت، پایداری و دوام سازه‌ای، سیستم روشنایی و تهویه و گرمایش مناسب، زیرساخت‌های اولیه از قبیل آب‌رسانی، بهداشت و آموزش، دفع زباله، کیفیت زیست‌محیطی قابل قبول، مکان مناسب و قابل دسترسی از نظر کار و تسهیلات اولیه است (دفتر اقتصاد مسکن، ۱۳۷۵:۲۰). کمبود واحد مسکونی در اساس خود را در تعداد اتاق در اختیار خانوار و در پی آن تداخل زندگی افراد یک خانوار با یکدیگر نشان می‌دهد. در سال ۱۳۸۰، شاخص تراکم خانوار در واحد مسکونی در مناطق شهری و روستایی ۱/۲ خانوار در واحد مسکونی گزارش شده است. فقر مسکن موجب پایین آمدن قابلیت فردی برای تحصیل و ارتقای مهارت‌ها می‌شود و بدین ترتیب اعضای خانوارهای فقیر را فقیر نگاه می‌دارد. به علاوه، تداخل زندگی جنس‌های مخالف سبب ازدیاد ناهنجاری‌های اجتماعی می‌گردد. در واقع، مسکن نامناسب تبدیل به یک «تله فضایی» می‌شود (اطهاری، ۱۳۸۴:۵). به این ترتیب که با به دنیا آمدن یک فرد در طبقات کم‌درآمد، خودبه‌خود فرصت‌های زندگی وی را برای حضور در گروه‌های درآمدی و اقشار بالاتر کاهش می‌دهد. مسکن نامناسب هرچند ناشی از عوامل اجتماعی است، اما خود بند دیگری بر پای افراد می‌زند یا یک «تله فضایی» می‌سازد و خروج فرد را از دایره فقر بسیار دشوار می‌کند. «تله فضایی» مسکن به دو صورت کیفیت درونی و کیفیت بیرونی تولید می‌شود. مراد از کیفیت بیرونی مکان جغرافیایی مسکن است. در ایران واقع شدن مسکن در مناطق «حاشیه شهرها» و یا برخی محلات فرسوده و فقرزده «درون شهرها» به منزله افتادن در تله فضایی است مراد از کیفیت درونی مسکنی با مصالح ساختمانی و تجهیزات نامناسب و سطح زیربنای ناکافی است که سبب ایجاد تله فضایی می‌شود. بدیهی است که غفلت از ساماندهی مسکن کم‌درآمدها به شدت بر ابعاد فقر مسکن می‌افزاید.

در کشور ایران، رشد افسارگسیخته جمعیت شهری و عوامل متعدد دیگر سبب افزایش نابرابری میان طبقات مختلف جامعه از نظر برخورداری از مسکن مناسب گردیده است. از جمله تعارض بین برنامه‌ریزی مسکن و برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای، محدودیت توان اجرایی دولت‌ها به دلیل ناهماهنگی میان برنامه‌های سکونتی و سیاست‌ها تأمین مسکن و عدم همراهی این برنامه‌ها با سیاست‌ها و برنامه‌های کلی اقتصادی و اجتماعی، به‌ویژه برنامه‌های کنترل جمعیت و هدایت مهاجرت، سبب عدم دسترسی طبقات اجتماعی مختلف به مسکن مناسب شده است. همچنین محدودیت منابع مالی دولت‌ها در حل تأمین مسکن گروه‌های

کم درآمد، (گروه‌هایی که اکثریت قاطع نیازمندان واقعی مسکن را شامل می‌شوند) و تهیه مسکن از سوی بخش خصوصی برای گروه‌هایی که از قدرت خرید بالایی برخوردار هستند، نیز مانع دستیابی گروه‌های کم‌درآمد به مسکن مناسب گردیده است (دلال‌پور، ۱۳۷۹: ۹). چنین ویژگی‌هایی همراه با رشد سریع جمعیت و افزایش شهرنشینان نسبت به مناطق روستایی موجب کمبود مزمن مسکن و برونزد زائده‌های فیزیکی در پیکره شهرها به‌ویژه در مجاورت مناطق مرکزی و گسترش پدیده حاشیه‌نشینی و افزایش بحران‌های اجتماعی شده است (مقدس خراسانی، ۱۳۷۱: ۶۸).

با توجه به این‌که طبقات اجتماعی مختلف شهرها، تحت تأثیر عوامل بالا و با عنایت به میزان دسترسی به منابع شهری (گیلبرت، ۱۳۷۵: ۱۹۵) (اسکابرسکیس، ۱۹۹۰: ۲۳۲)، از توانایی متفاوتی برای خرید مسکن برخوردار هستند، محله‌های مسکونی متفاوتی به‌ویژه از نظر اقتصادی شکل گرفته است. تفاوت محله‌های مسکونی مختلف در شهرها از سطوح گوناگون درآمد، توزیع ثروت، میزان رشد شهری و ساختار اجتماعی آن ناشی می‌شود. از عوامل دیگر در انتخاب محل مسکونی، وجود تبعیض^۱ در نوع روابط اجتماعی است. برای مثال، عدم توانایی جوانان و فقرا در تهیه زمین یا مسکن مناسب در انتخاب محل سکونت آنان مؤثر واقع می‌شود. فقر موجب می‌گردد که طبقات مذکور از دستیابی به مسکن مناسب ناامید شده و اجباراً اولین مسکن قابل دسترس را که شاید از امکانات رفاهی مورد نیاز بی‌بهره باشد انتخاب نمایند. لذا نامطلوب بودن شرایط مسکن نه براساس اراده و انتخاب خودشان بلکه بر مبنای ضرورت اقتصادی-اجتماعی است. مساکنی که صرفاً به سبب عدم استطاعت مالی انتخاب گردد، به معنای آن است که ساکنان آن در اتاق‌های پایین‌تر از سطح استاندارد^۲ و متراکم‌تر از حد معمول^۳ زندگی می‌کنند (لاورنس، ۱۹۹۵: ۱۶۵۸). در این صورت، میزان تراکم افراد و تسهیلات ناکافی مسکن بر سلامتی جسمی و روانی افراد به شدت تأثیر سوء می‌گذارد. (تاکانو، ۱۹۹۶: ۸۸۰)

مسکن نامناسب عامل مؤثری در پیدایش افسردگی و اختلالات رفتاری، شخصیتی و همچنین کاهش مقاومت فرد در برابر مشکلات است. فردی که به سبب مشکلات اقتصادی نتواند مسکن مناسب و مستقلاً داشته باشد، دچار بحران می‌شود. این بحران ساختار شخصیتی فرد را در معرض آسیب جدی قرار می‌دهد و میزان ناهنجاری‌ها و جرم در جامعه افزایش می‌یابد. پژوهش‌های جامعه‌شناسان و جغرافی‌دانان شهری نشان می‌دهد که افراد کم‌درآمد شهری با سکونت در مناطق فقرزده و در مسکن نامناسب، معمولاً بیش از سایر شهروندان در معرض آسیب‌های روانی قرار می‌گیرند.

1. discrimination

2. sub-Standard

3. over crowded rooms

سنجش فقر

در سال‌های اخیر، مطالعات متعددی درباره فقر و نابرابری در ایران صورت گرفته است و تمرکز این مطالعات بر محاسبه فقر و تعیین درصد افراد فقیر (نرخ فقر) و شکاف فقر بوده است (باقری، ۱۳۸۵:۱۸۲). همچنین یکی دیگر از شاخص‌هایی که محققان برای اندازه‌گیری شدت فقر به کار می‌گیرند، اطلاعات هزینه و درآمد خانوارهای شهری و روستایی است (باقری، ۱۳۸۵:۱۸۲). مقایسه برخی شاخص‌های نابرابری در ایران نشان می‌دهد شاخص جینی^۱ برای نقاط شهری کل کشور در سال ۱۳۷۵ برابر با ۰/۷۶۱ و برای نقاط شهری استان مازندران برابر با ۰/۶۰۸ بوده است (<http://amar.sci.org.ir/>) که در مقایسه با کشورهای توسعه یافته در موقعیت بسیار بدی قرار دارد. اما مهم‌تر از آن شاخص شکاف درآمدی یا نسبت هزینه و درآمد بالاترین دهک به پایین‌ترین دهک است که در سال ۱۳۷۶ نسبت درآمد ده درصد ثروتمندترین جمعیت به ده درصد فقیرترین جمعیت ۱۵/۴۱ بوده است. براساس همین گزارش، سهم دهک اول یا ده درصد فقیرترین افراد جامعه ۰/۰۲۱۹ و سهم دهک دهم یا ده درصد ثروتمندترین جمعیت ۰/۲۲۷۶ بوده است (<http://amar.sci.org.ir/>).

شاخص‌های هزینه و درآمد و شاخص جینی معمولاً در سطح کل کشور و یا به تفکیک استان‌ها تهیه شده و مقدار واقعی فقر خانوارهای شهری به‌ویژه در «سطح مناطق و یا حوزه‌های داخلی شهرها» را نشان نمی‌دهد. لیکن شاخص تراکم نفر در یک اتاق از این لحاظ کاربردی‌تر به نظر می‌رسد. مسکن به عنوان یک دارایی فیزیکی می‌تواند تأثیر بسزایی بر درآمد خانوارها داشته باشد. درصد خانوارهای چهارنفره و بیشتر ساکن در یک اتاق معیار مناسبی برای برآورد فقر خانواده‌ها و مقایسه مناطق شهری با یکدیگر است. دکتر حسین عظیمی در کتاب *مدارهای توسعه‌نیافتگی در اقتصاد ایران* از طریق شاخص خانوارهای چهارنفره و بیشتر ساکن در یک اتاق، به بررسی وضعیت مسکن و برآورد میزان فقر و محرومیت می‌پردازد. براساس مطالعات دکتر عظیمی در سال ۱۳۶۵، تعداد ۸۵۲ هزار خانوار ایرانی، یا ۴/۷ میلیون نفر، صرفاً یک اتاق (بدون هال، آشپزخانه، سالن...) در اختیار داشته‌اند و باید تمام نیازهای مربوط به زندگی (نشیمن، آشپزخانه، خواب و...) را در همان یک اتاق برطرف نمایند (عظیمی، ۱۳۷۴:۲۱۲). باتوجه به تعریف فوق آشکار است که زندگی در یک اتاق برای خانوار چهارنفره و بیشتر عموماً دلالت بر فقر و محرومیت شدید اقتصادی دارد. نویسنده نیز در این پژوهش به منظور بررسی جغرافیایی مناطق پرتراکم فقر در شهر بابل، آمار درصد خانوارهای چهارنفره و بیشتر را که صرفاً یک اتاق برای گذران زندگی در اختیار دارند مورد استفاده قرار داده است.

1. Gini Index

فرضیه تحقیق

به نظر می‌رسد با افزایش درصد خانوارهای چهارنفره و بیشتر ساکن در یک اتاق در مناطق مختلف شهر بابل درصد معنادان افزایش می‌یابد.

روش تحقیق

این مطالعه در دو مرحله انجام پذیرفت. در مرحله نخست، ویژگی‌های منطقه با مطالعه‌ای توصیفی شناسایی شد. به این ترتیب که با شناسایی و استفاده از منابع اطلاعات موجود در مرکز آمار ایران، اسناد و مکتوبات شهرداری و دادگستری بابل خصوصیات و ویژگی‌های منطقه تعیین گردید. مرحله دوم مطالعه، به صورت کیفی و با استفاده از روش مطالعه عمیق^۱ انجام شد (جهانگیری، ۱۳۸۲:۱۳۵). باتوجه به سطح تحلیل یعنی شهر بابل و واحدهای تحلیل که حوزه‌های شهری آن هستند، روش تحقیق این پژوهش روش تطبیقی درون شهری است که با استفاده از گزارشات اداره دادگستری بابل به انجام رسیده است. باتوجه به این‌که گزارشات منتشر شده از سوی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و یا بانک مرکزی، از جمله ارقام هزینه و درآمد خانوار، در سطح کل کشور و یا به تفکیک استان‌ها، و به صورت نمونه‌ای انجام می‌گیرد، میزان درآمد و فقر را در سطح شهرهای متوسط و کوچک، به‌ویژه مناطق مختلف درون شهرها، نشان نمی‌دهد. در حالی که، در بررسی تطبیقی زیر، «ساکنان مناطق درون شهر بابل» با یکدیگر مقایسه می‌شوند. هرچه این مناطق کوچکتر انتخاب شوند. دقت کار بیشتر است. بنابراین سعی می‌شود هرگاه امکانات لازم به‌ویژه اطلاعات تفکیکی برای محدوده‌های کوچکتر وجود داشته باشد، انتخاب این محدوده‌ها به عنوان واحد مطالعه ارجحیت یابد (معاونت اجتماعی مسکن، ۱۳۷۷:۸). باتوجه به موارد فوق در پژوهش موردی بابل، از سرشماری سراسری سال ۱۳۷۵ به تفکیک حوزه‌های ۷۳گانه شهر استفاده می‌شود. زیرا علی‌رغم سرشماری سال ۱۳۸۵، به سبب عدم استخراج اطلاعات جمعیت و مسکن و صرفاً انتشار تعداد جمعیت کل شهر به تفکیک جنس و سن، ناگزیر هستیم که از اطلاعات سرشماری سال ۱۳۷۵ استفاده کنیم. بدیهی است در صورت انتشار اطلاعات دسته‌بندی شده سال ۱۳۸۵ به تفکیک حوزه‌های آماری، که قطعاً بیش از دو یا سه سال به طول می‌انجامد، امکان مقایسه دو سرشماری فراهم شده و فرآیند تحولات دو دهه روشن‌تر خواهد شد. بنابراین علی‌رغم گذشت چند سال از سرشماری ۱۳۷۵، همچنان جامع‌ترین و قابل‌اتکاءترین اطلاعاتی است که در دسترس پژوهشگران قرار دارد. از سوی دیگر نویسنده، از طریق مشاهده و مصاحبه با برخی شهروندان ساکن محله‌های مختلف شهر،

1. in-depth interview

اطلاعات موردی را به دست آورده است که بر غنای پژوهش حاضر می‌افزاید. روش کار پژوهش به این ترتیب بوده است که با استفاده از جداول خام مرکز آمار ایران، تعداد و درصد خانوارهای چهارنفره و بیشتر ساکن در هر اتاق (به عنوان معیار فقر)، به تفکیک هر حوزه استخراج شده و نقشه‌های موضوعی آن تهیه گردید. سپس با استفاده از اطلاعات اداره دادگستری بابل، پرونده ۳۱۳ مورد معتاد زندانی ساکن شهر مربوط به سال‌های ۱۳۷۵-۱۳۷۱ استخراج شده و باتوجه به محل سکونت، پراکندگی جغرافیایی معتادان در حوزه‌های مختلف شهر شناسایی گردیده است. تعداد معتادانی که در سال‌های ۱۳۷۱-۱۳۷۵ در دادگستری بابل پرونده داشتند، بیش از ۳۱۳ مورد بوده است. لیکن نویسنده صرفاً آن دسته از معتادانی را که محل سکونت آنان در داخل شهر بابل بوده است مورد بررسی قرار داده است. در آخر رابطه شاخص چهارنفره و بیشتر ساکن در یک اتاق به عنوان معیار فقر با نسبت معتادان در مناطق مختلف شهر بابل مورد سنجش قرار گرفته است. در ضمن، برای آزمون فرضیه از آنالیز رگرسیون و فرضیه H_0 و برای پردازش داده‌ها از بسته نرم‌افزار Excel استفاده شده است. رویکرد ما در این تحلیل پدیده اجتماعی اعتیاد با ملاحظات اقتصادی فقر است. مشکلات مربوط به تحرک نزولی مانند فقر مسکن احتمال تخلفات مرتبط با مواد مخدر را افزایش داده است.

جامعه آماری

جامعه آماری پژوهش زیر عبارت از تعداد کل خانوارهای چهارنفره و بیشتر ساکن در یک اتاق به تفکیک حوزه‌های ۷۳ گانه شهر بابل هستند که در آبان ماه سال ۱۳۷۵ سرشماری شده‌اند. همچنین ۳۱۳ مورد معتاد شهر بابل هستند که در سال‌های ۱۳۷۵-۱۳۷۱ در اداره دادگستری شهر پرونده داشتند.

یافته‌های تحقیق

ویژگی‌های جمعیتی شهر بابل

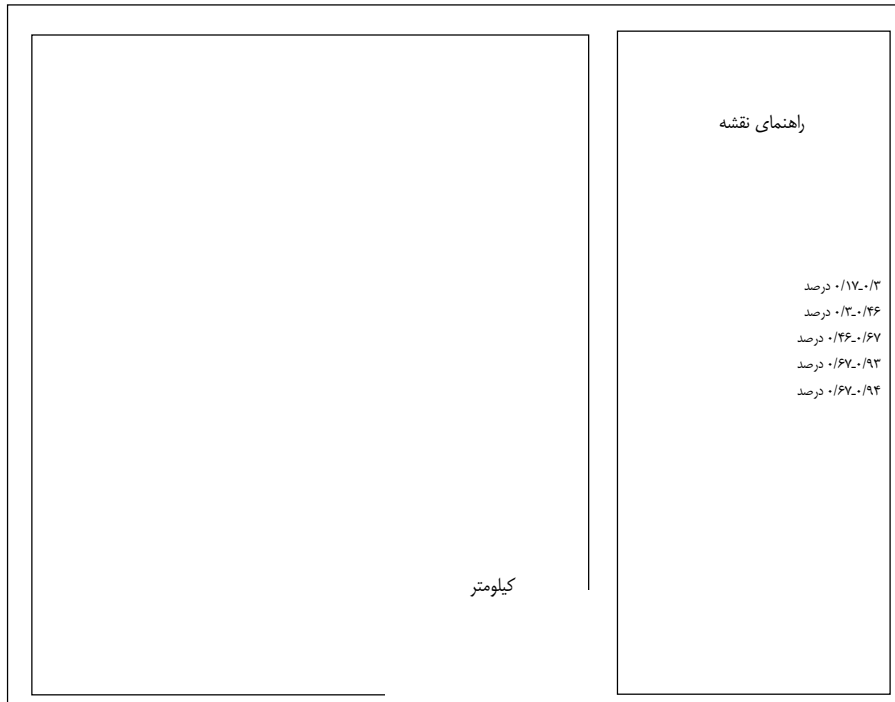
شهر بابل یکی از شهرهای مهم استان مازندران، در سال ۱۳۳۵، ۳۶۱۹۴ نفر جمعیت داشت (مرکز آمار ایران، ۱۳۳۵). جمعیت این شهر در سال ۱۳۴۵ به ۴۹/۹۷۳ نفر افزایش یافت که رشدی معادل با ۳/۲۸ درصد را نشان می‌دهد (مرکز آمار ایران، ۱۳۴۵). میزان رشد سالانه جمعیت شهر در نیمه اول دهه پنجاه، با اصلاحات ارضی و با کاهش سرمایه‌گذاری کشاورزی طی برنامه‌های عمرانی سوم و چهارم و پنجم و اتخاذ شیوه‌های سرمایه‌بردر کشاورزی (همایون کاتوزیان، ۱۳۷۳: ۸۰) مهاجرت جمعیت روستایی به شهر افزایش یافته و به ۳/۴ درصد رسید.

چنانچه در سال ۱۳۵۵ جمعیت شهر بابل به ۶۸/۰۵۹ نفر بالغ گردید (مرکز آمار ایران، ۱۳۵۵). با خروج تدریجی نیروهای فعال از بخش کشاورزی و گسترش مراکز اداری و خدماتی در شهر، از یک سو، و وقوع انقلاب اسلامی، از سوی دیگر، مهاجرت روستاییان به شهر بابل تشدید شده و نرخ رشد سالانه جمعیت به ۵/۴۱ درصد افزایش یافته و جمعیت شهری به ۱۱۵/۳۲۰ نفر بالغ گردید (مرکز آمار ایران، ۱۳۶۵). در خصوص وضعیت مهاجرت بابل می‌توان گفت که ۲۱ درصد جمعیت شهر بابل در سال ۱۳۶۵ از مهاجران بودند (مهندسین مشاور طرح و ابداع، ۱۳۶۶: ۵۷). بنابراین بیشترین رشد جمعیت در فاصله سال‌های ۶۵-۱۳۵۵ مقارن با انقلاب رخ داده است. افزایش جمعیت در شش دوره سرشماری ناشی از یک عامل رشد طبیعی جمعیت یعنی اختلاف بین مقدار زاد و ولد و مرگ و میر و دو عامل مهاجرت از مناطق روستایی به شهر و جذب نقاط روستایی به شهر بوده است. تأثیری که عوامل ذکر شده می‌توانند بر یکدیگر داشته باشند بسیار مهم است. افزایش مهاجرت و استقرار اغلب مهاجران در اطراف شهر منجر به توسعه سریع محدوده فیزیکی شهر شده و همزمان روستاهای زیادی نیز به محدوده شهر پیوسته و موجب توسعه کالبدی بابل شده‌اند. افزایش مهاجرت و رشد کالبدی شهر همراه با مشکلات اقتصادی طی چند دهه موجب افزایش جدایی‌گزینی فضایی میان محلات و تفاوت آن‌ها از نظر فقر و غنا گردیده است.

بررسی مسکن گروه‌های کم‌درآمد

در سال‌های اخیر در شهر بابل، با افزایش جمعیت، از یک سو، و کمبود و محدودیت اشتغالات مورد، از سوی دیگر، میزان فقر رشد قابل ملاحظه‌ای داشته است. به طوری که بررسی تعداد خانوارهای چهارنفره و بیشتر ساکن در یک اتاق در شهر بابل نشان می‌دهد، در سال ۱۳۷۵، تعداد ۱/۹۸۶ نفر یا ۴۳۰ خانوار تنها یک اتاق در اختیار داشتند و بایست تمام نیازهای مربوط به زندگی را در همان اتاق برطرف نمایند (مرکز آمار ایران، ۱۳۶۵). با عنایت به مورد فوق، در سال ۱۳۷۵ در شهر بابل، حداقل ۴۳۰ خانوار در فقر اقتصادی زندگی می‌کردند. بررسی نقشه «توزیع جغرافیایی» درصد خانوارهای چهارنفره و بیشتر ساکن در یک اتاق نشان می‌دهد تعداد آن‌ها، بین ۵/۷۵-۰ در ۷۳ حوزه آماری شهر پراکنده است (بنگرید به نقشه ۱، ترسیم شده توسط نگارنده). حوزه‌هایی که دارای کمترین درصد خانوارهای چهارنفره و بیشتر ساکن در یک اتاق هستند، غالباً در بخش‌های غربی و مجاور مرکز شهر قرار دارند. عبور رودخانه بابل رود از مجاورت کمربندی غربی سبب زهکشی طبیعی زمین‌های اطراف شده و مشکل بالا آمدن سفره‌های زیرزمینی آب در این منطقه بسیار کمتر از سایر مناطق شهر بابل است. از این رو، زمین و مسکن در شمال و

غرب بابل گران‌تر از سایر مناطق شهر است. از نظر اقتصادی نیز خانواده‌های متوسط و نسبتاً مرفه بابل در محله‌های مجاور محور کمربندی غربی ساکن هستند. از این‌رو خانوارهای چهارنفره و بیشتر ساکن در یک اتاق نیز در این حوزه‌ها کمتر است. بالعکس، حوزه‌هایی که دارای بیشترین درصد خانوارهای چهار نفر و بیشتر ساکن در یک اتاق هستند، در بخش‌های شرقی و جنوب شهر قرار دارند. در این حوزه‌ها بیشترین فقر و محرومیت اقتصادی از نظر مسکن مشاهده می‌شود.



نقشه ۱- پراکندگی درصد چهار نفر و بیشتر ساکن در یک اتاق در حوزه‌های آماری شهر بابل در سال ۱۳۷۵

پراکندگی جغرافیایی اعتیاد

بررسی اعتیاد در شهر بابل حکایت از آن دارد که در سال ۱۳۷۵ مجموعاً ۳۱۳ مورد معتاد در محاکم قضایی شهر پرونده داشته‌اند. بررسی نقشه توزیع جغرافیایی معتادان در شهر بابل نشان می‌دهد که درصد معتادان بین ۰/۱۷-۱/۶۱ درصد در سطح ۷۳ حوزه آماری شهر بابل پراکنده

هستند (بنگرید به نقشه ۲، ترسیم شده توسط نگارنده) کمترین موارد اعتیاد در اطراف بخش مرکزی و شمال شهر مشاهده می‌شود. بالعکس، بیشترین تمرکز اعتیاد در حاشیه جنوبی شهر مشاهده می‌شود.



نقشه ۲- پراکندگی درصد اعتیاد در حوزه‌های آماری شهر بابل در سال‌های

۱۳۷۵-۱۳۷۱

مقایسه نقشه پراکندگی درصد چهار نفر و بیشتر ساکن در یک اتاق (نقشه ۱) و نقشه پراکندگی درصد اعتیاد (نقشه ۲) نشان می‌دهد که حوزه‌هایی که کمترین درصد چهار نفر و بیشتر ساکن در یک اتاق را دارند، از نظر میزان اعتیاد تراکم کمتری دارند. بالعکس، در حوزه‌هایی که درصد چهار نفر و بیشتر ساکن در یک اتاق از تراکم بالایی برخوردار است، درصد اعتیاد بیشتری دارند. در نقشه ترکیبی رابطه چهار نفر و بیشتر ساکن در یک اتاق و درصد اعتیاد، حوزه‌هایی استخراج شده‌اند که در آن‌ها تعداد چهار نفر و بیشتر ساکن در یک اتاق بیش از میانگین (۱/۳٪) و اعتیاد

نیز بیش از میانگین (۰/۷۸٪) می‌باشند (بنگرید به نقشه ۲، ترسیم شده توسط نگارنده). ملاحظه می‌گردد که همه محلات فوق تقریباً در مناطق حاشیه‌ای شرق و جنوب شهر بابل قرار دارند. به‌ویژه جوکی محله در جنوب شهر بابل از محله‌های متمرکز فقر مسکن و تراکم اعتیاد است. بالعکس، حوزه‌هایی که در آن‌ها هر دو معیار درصد چهار نفر به بالا ساکن در یک اتاق و میزان اعتیاد کمتر از میانگین نواحی ده‌گانه شهر بابل هستند، بخش وسیعی از محلات شهر به‌ویژه در بخش‌های شمال غربی، مرکز و غرب بابل را در برمی‌گیرند.



نقشه ۳- پراکندگی درصد چهار نفر و بیشتر ساکن در یک اتاق و درصد اعتیاد در حوزه‌های آماری شهر بابل در سال‌های ۱۳۷۵-۱۳۷۱

رابطه دو متغیر مذکور در جدول آنالیز رگرسیون رابطه چهار نفر و بیشتر ساکن در یک اتاق و درصد اعتیاد (جدول ۱) مورد بررسی قرار گرفته است. همچنان که در جدول فوق ملاحظه می‌شود، با افزایش درصد چهار نفر به بالا در یک اتاق از ۰/۱٪ در منطقه ده به ۳/۶٪ در منطقه

یک، میزان اعتیاد نیز از ۰/۴۷٪ در منطقه ده به ۱/۳۳٪ در منطقه یک افزایش می‌یابد. خط رگرسیون رابطه فوق برابر با $(X) + 0/21 = y = 0/51$ بوده و میزان همبستگی آن ۰/۸۶ است که رابطه مثبت و نسبتاً مستقیم را نشان می‌دهد. همچنین ضریب تعیین، R^2 ، یا میزان وابستگی اعتیاد به فقر مسکن ۰/۶۹ است. برای بررسی دقیق‌تر نوع رابطه شاخص چهارنفره و بیشتر ساکن در یک اتاق و درصد اعتیاد از فرضیه H_0 استفاده می‌کنیم.

فرضیه: H_0 عدم رابطه میان افزایش چهارنفره و بیشتر ساکن در یک اتاق و افزایش اعتیاد.
فرضیه: H_1 افزایش اعتیاد در صورت افزایش تعداد چهارنفره و بیشتر ساکن در یک اتاق.

جدول ۱- جدول آنالیز رگرسیون رابطه چهارنفره و بیشتر ساکن در یک اتاق و اعتیاد شهر بابل

منطقه	درصد چهار نفر و بیشتر x	درصد اعتیاد y	xy	$(xi-\bar{x})^2$	$(yi-\bar{y})^2$	$\hat{y} = \hat{a} + (\hat{b} x)$	$(\hat{y}-\bar{y})^2$	$(\hat{y}-\bar{y})^2$
ده	۰/۱	۰/۴۷	۰/۰۵	۱/۴۴	۰/۱۰	۰/۵۳	۰/۰۰۴	۰/۰۶
نه	۰/۲	۰/۵۵	۰/۱۱	۱/۲۱	۰/۰۵	۰/۵۵	۰	۰/۰۵۲
هشت	۱	۰/۶۱	۰/۶۱	۰/۰۹	۰/۰۳	۰/۷۲	۰/۰۱۲	۰/۰۰۴
هفت	۰/۹	۰/۷	۰/۶۳	۰/۱۶	۰/۰۱	۰/۷۰	۰	۰/۰۰۷
شش	۱/۲	۰/۸۳	۰/۹۹	۰/۰۱	۰	۰/۷۶	۰/۰۰۵	۰
پنج	۱	۰/۸۳	۰/۸۳	۰/۰۹	۰	۰/۷۲	۰/۰۱۲	۰/۰۰۴
چهار	۱/۶	۰/۹۲	۱/۴۷	۰/۰۹	۰/۰۲	۰/۸۵	۰/۰۰۵	۰/۰۰۴
سه	۱/۳	۱/۰	۱/۲۳	۰	۰/۰۳	۰/۷۸	۰/۰۳	۰
دو	۲	۰/۶۵	۱/۳	۰/۴۹	۰/۰۲	۰/۹۳	۰/۰۸	۰/۰۲۲
یک	۳/۶	۱/۳۳	۴/۷۹	۵/۲۹	۰/۳۰	۱/۲۷	۰/۰۰۴	۰/۲۳۶
کل	۱۲/۹	۷/۸۴	۱۲/۰۲	۸/۹۷	۰/۵۶		۰/۱۵	۰/۳۹

$$\sum x = 1/29 \quad \sum y = 7/84 \quad \bar{x} = \frac{\sum xi}{n} \Rightarrow 1/3 \quad \bar{y} = \frac{\sum yi}{n} \Rightarrow 0/78$$

$$\sum y^2 = 6/7 \quad R = 0/86 \quad S_{xy} = 1/9 \quad \sum xy = 12 \quad S^2_x = 8/9$$

$$S^2_y = 0/6$$

$$\hat{b} = \frac{S_{xy}}{S^2_x} \Rightarrow 0/21 \quad \hat{a} = 0/51 \quad \hat{y} = \hat{a} + (\hat{b} x) \Rightarrow 0/51 + (0/21 x)$$

$$R^2 = 0/69$$

$$SSR = \sum (\hat{y}_i - \bar{y})^2 = 0/39$$

$$SSR = \sum (y_i - \bar{y})^2 = 0/15 \quad SST = \sum (y_i - \bar{y})^2 = 0/56 \quad F = \frac{MSR}{MSE} = 20/8$$

$$F(1.N - 2) = 5/32$$

برای آزمون فرضیه H_0 در سطح معنادار $a = 0/05$ یا با ۹۵٪ اطمینان آنالیز واریانس رابطه چهارنفره و بیشتر ساکن در یک اتاق و اعتیاد تهیه شده است. در این آنالیز F محاسبه شده رابطه دو متغیر برابر با ۲۰/۸ بوده و F جدول در سطح معنادار $a = 0/05$ برابر با ۵/۳۲ است. با توجه به بزرگتر بودن F محاسبه شده از F جدول، فرضیه H_0 رد شده و فرضیه H_1 پذیرفته می‌شود. به عبارت دیگر با ۹۵٪ اطمینان در سطح مناطق ده‌گانه شهر بابل با افزایش درصد چهار نفر و بیشتر ساکن در یک اتاق بر میزان اعتیاد افزوده می‌شود.

نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهاد

بررسی‌های انجام شده راجع به پراکندگی فقر و محرومیت به وسیله شاخص درصد چهارنفره و بیشتر ساکن در یک اتاق در شهر بابل نشان می‌دهد که مناطق متراکم فقر به یکسان در شهر پراکنده نشده است. مناطق جنوب و پیرامون شهر حوزه‌های متمرکز فقر را تشکیل می‌دهند. بررسی توزیع جغرافیایی معتادان نیز نشان می‌دهد که بیشترین معتادان در مناطق محروم ساکن هستند و رابطه مثبت و معناداری میان فقر مسکن و اعتیاد وجود دارد.

فقر مسکن هر ساله اقشار بیشتری را در برمی‌گیرد و تضاد و شکاف طبقاتی میان گروه اقلیت صاحب بهترین مسکن، و گروه کم‌درآمد فاقد مسکن مناسب ژرف‌تر می‌شود. با افزایش دائمی و بلاانقطاع فقر، نمی‌توان از حاشیه‌نشینی، اقامت در محلات فقیرنشین و اعتیاد ممانعت به عمل آورد. در این صورت، دامنه ناهنجاری‌های شهری، از جمله اعتیاد به مواد مخدر، بیش از پیش گسترش می‌یابد. پیشگیری از فقر و مصرف مواد مخدر و توزیع عادلانه امکانات زندگی مؤثرترین، انسانی‌ترین و باصرفه‌ترین راه برای دستیابی توسعه پایدار در جامعه است. پیشگیری در صورتی می‌تواند مؤثر باشد که در اجتماع هنجارهای مثبت در جهت حمایت از نگرش‌های سالم حمایت از اقشار آسیب‌پذیر و فارغ از مواد مخدر وجود داشته باشد. تمامی بخش‌های اجتماعات کلی و محلی نیازمند اتحاد در توانمندسازی تخصص‌های حرفه‌ای، خردمندی نسل

به نسل و تعهد فردی برای مقابله با مشکلات و معضلات ناشی از فقر و مواد مخدر هستند (کامکار، ۱۳۸۲: ۴۰). همچنین یکی از جنبه‌های مهم تأمین حداقل نیازها برای اجرای توسعه پایدار حذف فقر از جمله فقر مسکن، و داشتن مردمی سالم‌تر و آموزش دیده‌تر و تعلیم‌یافته‌تر است (نقدی، ۱۳۸۵: ۲۱۷).

منابع

- اطهاری، کمال (۱۳۸۴)، «فقر مسکن در ایران فقر سیاست اجتماعی»، *فصلنامه رفاه اجتماعی*، سال پنجم، شماره ۱۸.
- اهری، زهرا (۱۳۶۷)، «مسکن حداقل، مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن»، تهران، وزارت مسکن و شهرسازی.
- باقری، فریده کاوند، حسین (۱۳۸۵)، «اندازه‌گیری شدت فقر در ایران، کاربرد شاخص SST»، *فصلنامه رفاه اجتماعی*، سال پنجم، شماره ۲۰، صص ۱۹۱-۱۸۱.
- برنامه کنترل مواد ملل متحد و معاونت امور فرهنگی و پیشگیری سازمان بهزیستی کشور (۱۳۷۹)، «ارزیابی سریع وضعیت سوء مصرف مواد در ایران»، تهران.
- برومند، شهرزاد (۱۳۸۲)، «نگاهی به قیمت و درآمد ناشی از مواد مخدر و سازماندهی جنایی آن در جهان»، *فصلنامه رفاه اجتماعی*، سال سوم، شماره ۹، صص ۸۷-۶۳.
- جهانگیری، کنایون و دیگران (۱۳۸۲)، «ارزیابی جامعه به منظور شناسایی مشکلات موجود در منطقه ۱۷ شهر تهران»، *فصلنامه رفاه اجتماعی*، دانشگاه علوم بهزیستی، سال سوم، شماره ۹، صص ۱۴۱-۱۳۳.
- دفتر اقتصاد مسکن (۱۳۷۵)، «بولتن اقتصاد مسکن»، ویژه‌نامه سمینار سیاست‌های توسعه مسکن در ایران، وزارت مسکن و شهرسازی.
- دلال‌پور محمدی، محمدرضا (۱۳۷۹)، «برنامه‌ریزی مسکن»، چاپ اول، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها، عظیمی، حسین (۱۳۶۴)، *مدارهای توسعه نیافتگی در اقتصادی ایران*، تهران، چاپ چهارم، نشر نی.
- علی وردی‌نیا، اکبر (۱۳۸۵) «مطالعه جامعه‌شناختی اعتیاد به مواد مخدر در ایران»، *فصلنامه رفاه اجتماعی*، سال پنجم، شماره ۲۰، صص ۲۱۲-۱۹۳.
- کامکار، مهدیس (۱۳۸۲)، «آثار و پیامدهای سه رویکرد جرم‌زدایی، جرم‌انگاری و کاهش عوارض در برنامه‌های اعتیاد»، *فصلنامه رفاه اجتماعی*، دانشگاه علوم بهزیستی، سال سوم، شماره ۹، صص ۶۱-۲۷.
- گیلبرت، آلن. کاگلر، ژوزف (۱۳۷۵)، *شهرها، فقر و توسعه شهرنشینی در جهان سوم*، ترجمه پرویز کریمی ناصری، انتشارات شهرداری تهران.

- مرکز آمار ایران (۱۳۳۵)، «گزارش مشروح حوزه سرشماری بابل» وزارت کشور.
- مرکز آمار ایران (۱۳۴۵)، «سرشماری عمومی نفوس و مسکن شهرستان بابل» سازمان برنامه و بودجه.
- مرکز آمار ایران (۱۳۵۵)، «سرشماری عمومی نفوس و مسکن شهرستان بابل» سازمان برنامه و بودجه.
- مرکز آمار ایران (۱۳۶۵)، «نتایج نهایی شهرهای کشور»، سازمان برنامه و بودجه.
- مرکز آمار ایران (۱۳۷۵)، «سرشماری عمومی نفوس و مسکن، نتایج تفصیلی شهرستان بابل»، سازمان برنامه و بودجه.
- معاونت اجتماعی مسکن (۱۳۷۰)، «شاخص‌های توسعه شهری»، وزارت مسکن و شهرسازی، دفتر اقتصاد مسکن.
- معاونت سلامت وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی (۱۳۸۲)، «چکیده گزارش بررسی همه‌گیری شناسی سوء مصرف مواد در جمهوری اسلامی ایران»، تهران.
- مقدس خراسانی، ابوالقاسم (۱۳۷۱)، «تأثیر ایجاد شهرهای جدید در روند شهرنشینی و توزیع جمعیت»، *اطلاعات سیاسی و اقتصادی*، شماره ۵۶ و ۵۵ صص ۶۸-۷۵.
- مهندسین مشاور طرح و ابداع (۱۳۶۶)، «طرح مکان‌یابی اراضی توسعه شهر بابل»، اداره کل مسکن و شهرسازی استان مازندران، نقدی اسداله، صادقی، رسول (۱۳۸۵)، «حاشیه‌نشینی چالشی فراروی توسعه پایدار شهری با تأکید بر شهر همدان»، *فصلنامه رفاه اجتماعی*، سال پنجم، شماره ۲۰، صص ۲۱۳-۲۳۳.
- وزیران، محسن (۱۳۸۲)، «مروری بر برنامه‌های کاهش تقاضای مواد در ایران و توصیه‌هایی برای برنامه‌های توسعه راهبردی کشور»، *فصلنامه رفاه اجتماعی*، سال سوم، شماره ۹، صص ۱۴۵-۲۰۱.
- <http://amar.sci.org.ir/2007>
- Lawrence (1995), *Economic Issues and National Security*, First Edition, University Press of Kansas.
- Skaburskis. Andrejs (1990), *Race and Tenure in Toronto*, Urban Studies. Vol 33.
- Takano. A. Tanarat. Nakamara. K. Takerchi. S. (1996) Health Levels Influenced by Urban Residential Condition in a Mega city - Tokyo *Urban Studies*. Vol. 33.
- Warner, Barbara. Glenn. Pierce, L. (1993). Re- Examining Social Disorganization Theory Using Calls to The Police as a Measure of Crime. *Criminology* 31, pp 493-518.